



دکتر موریس ستودگان

فروردین ۱۳۹۵

### فرهنگ (ضعف) مطالبه‌گری مددکاری اجتماعی را تقویت کنیم

شاید عادت کرده باشیم قانع باشیم. قانع به هر توضیح و تعریفی که در برابر مطالبات مددکاری اجتماعی مطرح می‌شود. قانع شدن و تاب‌آوری شوربختانه بخشی از فرهنگ مددکاریست و این فرهنگ را به سختی می‌توان جانشین کرد، مگر با آگاهی و هوشیاری حرفه‌ای. به همین دلیل فرهنگ مطالبه‌گری مددکاری اجتماعی در شکل حرفه‌ای خود به تصحیح و تقویت اساسی نیازمند است؛ که اگر نشود هر قدرتمند و قانون‌گزار به خود اجازه خواهد داد با استفاده از روحیه مدارای مددکاری اجتماعی ناکارآمدی خود را به هر صورتی بر مددکاری تحمیل کند. این تحمیل در واقع ستم به افراد آسیب‌دیده‌ایست که قادر به دفاع از حقوق خود نبوده و راهبردی به سیستم قدرتمندی نداشته و تغییر در توان آنان نیست.

در سالهای گذشته ضعف روحیه مطالبه‌گری مددکاران اجتماعی محسوس بوده و عدم تغییرات بزرگ به علت ناآگاهی بر سیستم حاکم و یاعدم اطمینان حرفه‌ای و یا خوش‌باوری به قولهای داده شده قهرمانان انتخاباتی راه به جایی نبرده‌اند. از دیدگاه علمی این پدیده قابل توجیه می‌باشد چرا که مددکاری اجتماعی در ایران هنوز از انسجام حرفه‌ای به نحو عالی و برنامه‌ریزی شده برخوردار نیست. و متأسفانه با حس قدرت‌طلبی در عرصه مددکاری اجتماعی در سطح کلان این انسجام به سختی شکل‌پذیر است. اگر مددکاری دست‌خورد فراموشی نگردد حتماً نه تنها در الویت قرار نگرفته بلکه پست‌های مددکاری با تمام حرفه‌های دیگر که حداقل با حرف «م» شروع می‌گردند جایگزین می‌گردد. شاید مطالبه‌گری را از همین جا باید شروع کنیم. از حرفه خود ما.

اما ریشه فرهنگ «ضعف مطالبه‌گری» در کشتزار مددکاری باید جستجو شود. یکی از علت‌های اخلاقی ضعف مطالبه‌گری در

این زمینه مثبت گرای حرفه ای مددکاری و باور آنان به درستکاری قدرتمندان میباشد. علل دیگر این ضعف بیش از هر چیز، کمبود اطلاعات حرفه ای مددکاری در مورد امور کشوری و عدم تداخل مددکاری در سیاست‌گزاریهی کلان و نیز عدم توان ایجاد معادله در برنامه ریزی دولت میباشد. تمام این امور بر اساس کمبود تبادلات علمی با جهان مددکاری میباشد. علوم مورد نیاز در مداخله سیاسی باید در دانشگاه و امور آموزشی مددکاری اجتماعی مطالبه گردد.

چیزی که اکنون راه گشای این وضعیت نابسامان مددکاری اجتماعی در ایران میباشد، سازماندهی نیروها و دانش حرفه ای مددکاری اجتماعی، توانمند سازی مددکاران در سطوح خرد و کلان و راهیابی به علوم تخصصی مددکاری مدرن برای گفتمان در تصمیمات سیاسی و شرکت در برنامه ریزی و هدفبندی کلان میباشد. مددکار اجتماعی نوگرا نه تنها به توانمند سازی مددجو واقف میباشد بلکه به توانمندی سازی حرفه خود باید دل برانگیزد و همت گمارد. مددکاری نوگرا اگر این تغییر را امروز شروع نکند و این تخصص را از ان خود ننماید، در جامعه آتی جوابگوی نسل جدید مددکاری نخواهد شد.

امروزه، یکی از حرفه های محرکه ی جوامع مدرن، مددکاری اجتماعی میباشد. مددکاری از طرفی مرجعی برای ارائه ی راهکارهای تحقق پیشرفت، حقوق شهروندان و عدالت اجتماعی، انسجام جامعه و از سوی دیگر حرفه مددکاری تمرکز پر انرژی یک حرفه جوان در ایران میباشد. از این رو، مددکاری اجتماعی سهم بزرگی را در تسریع چرخه ی پیشرفت، برقراری تعادل و راه حل هایی نوگرایانه برای معضلات اجتماعی و پشتیبانی از آسیب دیدگان را به خود اختصاص داده است. یکی از وظایفی که در این راستا برای حرفه مددکاری اجتماعی و مددکاران متعهد به جامعه تعریف می شود، احساس مسؤلیت نسبت به مسائل کشور و پیگیری آن به وسیله ی مطالبه از حاکمیت و برنامه ریزان و قانون گزاران است.

از طرفی، یکی از آسیب های حرفه مددکاری امروز، جانشین کردن ادارات و پستهای مددکاری با حرفه های مشابه میباشد. جانشین کردن حرفه مددکاری بسان جانشین کردن یک روحانی در دفاتر عقد با یک راننده کامیون میباشد. مددکاری متعهد جامعه ایران با شناخت این آسیب های حرفه ای، در پی آن شد که به مطالبه گری تخصصی آغاز کرده و قصد و جرات دخالت در امور مختلف کشوری که در آن، مسائل تخصصی مددکاری پی گیری میشود و با نوآوری، نو اندیشی و نوگرایی خود اهداف جدید مددکاری اجتماعی را در عصر تبادلات مدرن دنبال کرده، و در مطالبه حقوق اجتماعی فعالتر میگردند.

پروژه مطالبه گری در مددکاری اجتماعی از دید علم تخصصی مددکاری اجتماعی به شرح زیر میباشد:

۱. تشخیص معضلات و آسیبهای اجتماعی جاری موجود در حوزه ی تخصصی مددکاری

۲. پیگیری و پایش فعالیت های انجام گرفته و در حال انجام برای رفع آسیبهای اجتماعی و پیشنهاد طرح های سازنده و اجرایی در قبال معضلات و آسیبهای کشوری

۳. مطالبه برنامه ریزی شده از مسؤولین حاکم در قالب های مختلف مانند جلسات پرسش و پاسخ، مناظره ها، فعالیت های رسانه ای ترویجی همانند کارزار مددکاری

۴. مطالبه حرفه ای و علمی برای تبادل دانش از دانشگاهها و موسسات علمی خارج از کشور و نقش بازتاب تحقیقات علمی در مراکز آموزشی کشور

۵. مطالبه حرفه ای در نظارت و نقش کاربری مددکاری بر موسسات دولتی و غیر دولتی جهت پیگیری رعایت حقوق شهروندان

۶. مطالبه سازماندهی شده به پشتیبانی از دولت برای ایجاد NGO به منظور نظارت و تداخل در امور کشوری

یک مدد کار از خود در این حرفه پیوسته میپرسد:  
چه چیزی باید مطالبه شود «حقوق نادیده گرفته شده»  
از چه کسی باید مطالبه شود «قدرتمندان, جامعه حداکثر»  
برای چه کسی باید مطالبه شود «جامعه حداقل»  
و چه کسی مطالبه گر است «حرفه مددکاری اجتماعی»!

به امید مطالبه حقوق اجتماعی ایرانیان.